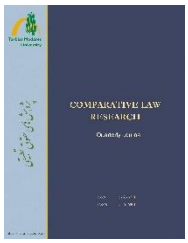

Comparative Law Research Quarterly, Vol. 30, No.2, Summer 2026, Pp. 275-302

Contingent Substitute Contract in French and Iranian Law: A Comparative Analysis of the Foundations, Effects, and Challenges in the Light of the 2016 Reforms of the French Civil Code

ARTICLE INFO
DOI: 10.48311/clr.2026.118524.82801

Article Type
Research Article

Author:
Mostafa Harati
ORCID: https://0000-0001-6954-8443

Affiliation:
Assistant Professor in Private Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Religions and Denominations, Qom, Iran

Correspondence:
Email: Harati.mostafa@yahoo.com

Article History:
Received: 2025/12/26
Received in Revised form: 2026/01/22
Accepted: 2026/02/06

Abstract

The aleatory synallagmatic contract constitutes a distinct category of bilateral agreements wherein the extent-and in some cases the very existence-of the parties' reciprocal obligations is contingent upon the occurrence of a future, inherently uncertain event. Rooted in Article 1108 of the French Civil Code and its doctrinal parallels within Iranian jurisprudence, this contractual type assigns a pivotal role to the assessment of the contractual equilibrium at the moment of formation. The 2016 reform of the French Civil Code not only refined the definition and legal status of aleatory contracts but also explicitly articulated its interconnections with principles of contractual freedom, economic balance, and grounds for nullity. Conversely, Iranian law, although lacking an explicit statutory designation for this institution, provides a comparable yet structurally distinct framework through general principles of contract law, Islamic jurisprudential maxims-notably *Lā Ḍarar* (the prohibition of harm) and *Gharar* (the prohibition of excessive uncertainty)- and specific legislative provisions governing insurance and wagering contracts. Employing a comparative analytical methodology, this study first examines the conceptual foundations and theoretical underpinnings of aleatory synallagmatic contracts within both legal systems. It subsequently analyses their legal effects with particular emphasis on risk transfer, rescission mechanisms, and the maintenance of value equilibrium. Finally, it addresses critical challenges including the boundaries of contractual legitimacy, the protection of the weaker party, and the compatibility of these contracts with the evolving demands of modern electronic commerce. The findings demonstrate that while both legal traditions uphold the acceptance of risk as the core essence of aleatory contracts, the post-2016 French framework presents a more systematic and codified structure, thereby offering a potential legislative model for Iranian legal reform.

Keywords: Aleatory Synallagmatic Contract, Risk Transfer, Contractual Balance, Contractual Risk, French Civil Code Reform(2016), Iranian Contract Law

Copyright © 2026, TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0) which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی
دوره ۳۰، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۵
صص ۲۷۵-۳۰۲
مقاله پژوهشی

Comparative Law Research Quarterly
Vol.30, No.2, Summer 2026
Pp 275-302
Original Article

قرارداد معوَّض احتمالی در حقوق فرانسه و ایران: تحلیل تطبیقی مبانی، آثار و چالش‌ها در پرتو اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه

مصطفی هراتی*

استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵ **تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۰۲** **تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۷**

چکیده

قرارداد معوَّض احتمالی، یکی از انواع خاص عقود معوَّض، زمانی تحقق یافته که میزان یا وجود تعهدات طرفین تابع وقوع حادثه‌ای نامعلوم باشد. این ویژگی، که در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی فرانسه و معادل‌های فقهی و قانونی آن در حقوق ایران ریشه دارد، ارزیابی تعادل ارزش تعهدات را در زمان انعقاد متفاوت از سایر عقود می‌سازد. اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه، ضمن بازبینی قواعد عمومی قراردادها، تعریف و جایگاه این نهاد را شفاف کرده و نسبت آن با آزادی قراردادی، تعادل اقتصادی و بطلان را تعیین نموده است. در حقوق ایران، با وجود فقدان نصّ صریح، قواعد عمومی، اصول فقهی همچون لاضرر و غرر، و مقرراتی چون بیمه و شرطبندی، چهارچوب مشابهی ایجاد کرده‌اند. این پژوهش با رویکرد تطبیقی، ابتدا مبانی نظری و مفهومی این عقود را در دو نظام بررسی، سپس آثار آن از منظر انتقال خطر، امکان فسخ و تعادل تعهدات را تحلیل می‌کند و در نهایت چالش‌هایی چون حدود مشروعیت، حمایت از طرف ضعیف و انطباق با الزامات تجارت الکترونیک را ارزیابی می‌نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد هر دو نظام به اصل پذیرش ریسک وفادار هستند، اما حقوق فرانسه پس

* نویسندهٔ مسئول مقاله: **Email: Harati.mostafa@yahoo.com**

کپی‌رایت © ۲۰۲۶، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.

از اصلاحات اخیر، الگوی مدوّن‌تر و قابل اقتباس برای تقنین در ایران ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: انتقال خطر، تعادل قرارداد، قرارداد معوَّض احتمالی، ریسک قراردادی

۱. مقدمه

تحول ساختارهای اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی، به همراه پیچیده‌تر شدن ابزارهای مالی و تجاری، موجب افزایش چشمگیر استفاده از قراردادهایی شده است که عنصر ریسک[1] بنیان اصلی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. این گونه قراردادها نه‌تنها در حوزه بیمه، اجاره عمر و شرط‌بندی مصادیق سنتی خود را حفظ کرده‌اند، بلکه در قالب‌های نوینی چون قراردادهای مشتقه مالی، پیش‌فروش پروژه‌های ساختمانی، معاملات آتی کالا و حتی برخی اَشکال قراردادهای فناوری و تجارت الکترونیکی، حضور پررنگی یافته‌اند. ویژگی مشترک این قراردادها، وابسته بودن میزان، ارزش یا حتی وجود تعهدات طرفین به وقوع رویدادی آینده و نامعلوم است؛ رویدادی که طرفین در زمان انعقاد قرارداد، وقوع یا عدم وقوع آن را احتمال می‌دهند، اما نمی‌توانند قطعیت آن را اثبات کنند. چنین ساختاری در عین ایجاد فرصت برای مدیریت و توزیع خطر میان طرفین، خطر اختلال در امنیت حقوقی و تعادل اقتصادی قرارداد را نیز به همراه دارد. از یک سو، اصل حاکمیت اراده ایجاب می‌کند که آزادی طرفین در پذیرش ریسک و شرط‌بندی بر آینده محترم شمرده شود؛ از سوی دیگر، ملاحظات مربوط به نظم عمومی و حمایت از طرف ضعیف‌تر قرارداد، ضرورت وضع محدودیت‌ها و قواعد خاص را برجسته می‌سازد. این دوگانه، هم در دکترین و هم در رویه قضایی، محل مناقشه جدی است؛ به‌ویژه در مواردی که عدم توازن شدید در ارزش تعهدات یا سوءاستفاده از شرایط اقتصادی و اطلاعاتی یکی از طرفین، پرسش‌هایی را در زمینه اعتبار قرارداد برانگیخته است (Ghestin, 2013: 210).

در حقوق فرانسه، آثار حقوقدانان برجسته‌ای همچون پلانیول[2] و ریپر[3] به تشریح مفاهیم و

1. Aléa
2. Planiol

مصطفی هراتی ـــــــ

بر جای گذارد.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین و تحلیل مبانی مفهومی و حقوقی قرارداد معوَّض احتمالی در دو نظام حقوقی فرانسه و ایران است؛ تحلیلی که بر شناسایی عناصر سازنده، فلسفه پذیرش و جایگاه این نهاد در تقسیم‌بندی‌های قراردادی تمرکز دارد. در ادامه، با بررسی آثار و چالش‌های این قرارداد از منظر انتقال خطر، تعادل تعهدات و حدود مشروعیت عنصر ریسک در قراردادهایی با اهمیت اقتصادی گسترده، تلاش می‌شود تصویری روشن از کارکرد و محدودیت‌های آن ارائه شود. همچنین، ارزیابی اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه به‌عنوان تجربه‌ای تقنینی که موفق به ایجاد انسجام و شفافیت در مقررات مربوط به این نوع قراردادها شده است، زمینه تحلیل امکان بهره‌گیری از این الگو برای تکمیل و بهبود چهارچوب قانونی قراردادهای مشابه در حقوق ایران را فراهم می‌آورد. این پژوهش با اتخاذ رویکرد تطبیقی و تحلیلی انجام می‌شود، رویکردی که امکان بررسی همزمان مقررات مدون، منابع فقهی، دکترین و رویه قضایی را در دو نظام حقوقی فراهم می‌آورد. در بخش تطبیقی، با تحلیل مقررات قانون مدنی فرانسه به‌ویژه پس از اصلاحات ۲۰۱۶ و مواد مربوط در قانون مدنی و قوانین خاص ایران، به شناسایی نقاط اشتراک و افتراق پرداخته می‌شود. بعد از تحلیل متون قانونی، به بررسی مبانی فقه امامیه و دیدگاه‌های برجسته دکترین در هر دو نظام پرداخته می‌شود تا پشتوانه نظری نهاد قرارداد معوَّض احتمالی روشن گردد. سپس، رویه قضایی منتخب در دو کشور از منظر نحوه تفسیر و اعمال قواعد مربوط، ارزیابی می‌شود. در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای اصلاحی بر مبنای جمع‌بندی یافته‌های تطبیقی ارائه می‌شود.

۲. مبانی و مفهوم قرارداد معوَّض احتمالی

بررسی مبانی و مفهوم قرارداد معوَّض احتمالی یکی از گام‌های مقدماتی، اما اساسی، در تحلیل تطبیقی آن در نظام‌های حقوقی فرانسه و ایران است. این نوع قرارداد، که از منظر مبانی نظری و آثار عملی، جایگاهی ویژه در دسته‌بندی عقود دارد، بر دو ستون اصلی استوار است: نخست، ماهیت معوَّض بودن آن، یعنی تبادل منافع میان طرفین در قالب تعهدات متقابل؛ و دوم،

مصطفی هراتی ـــــــ

که حذف آن، ماهیت حقوقی قرارداد را دگرگون می‌سازد. ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی فرانسه، با تصریح به وابستگی منافع و زیان‌ها به رویدادی آینده و نامعلوم، این تحلیل دکترین را وارد متن قانون نموده است.

اصلاحات گسترده قانون مدنی فرانسه در سال ۲۰۱۶، که با هدف نوسازی مقررات مربوط به حقوق قراردادها، تعهدات و اثبات انجام پذیرفت، برای نخستین‌بار در تاریخ این نظام حقوقی تعریف صریح و مدوّنی از قرارداد معوَّض احتمالی در بخش قواعد عمومی ارائه نمود. ماده ۱۱۰۸، که در نتیجه این اصلاحات به فصل دوم قانون مدنی افزوده شد، مقرر می‌دارد: «قرارداد معوَّض احتمالی قراردادی است که آثار آن، از حیث منافع یا زیان‌های احتمالی، به وقوع یا عدم وقوع رویدادی آینده و نامعلوم بستگی دارد». این نوآوری قانون‌گذار نه‌تنها خلأ مفهومی پیشین را برطرف کرد، بلکه با ارائه تعریفی واحد، طبقه‌بندی قراردادها را نیز منسجم‌تر نمود. تعریف مذکور بر دو عنصر اساسی استوار است: نخست، ماهیت معوَّض بودن قرارداد[4] که دلالت بر تبادل منافع و تعهدات میان طرفین دارد؛ به این معنا که هر یک از طرفین، در قبال منفعتی که دریافت می‌کند، تعهدی را بر عهده می‌گیرد. دوم، وجود عنصر شانس یا خطر که سبب می‌شود میزان واقعی یا حتی تحقق منافع و زیان‌ها تا زمان وقوع یا عدم وقوع رویداد پیش‌بینی‌شده، نامعین بماند. این ویژگی، جوهره‌ای است که قرارداد احتمالی را از سایر انواع قرارداد (اعم از معوَّض عادی یا مجانی) متمایز می‌سازد و مبنای توجیه پذیرش عدم تعادل اولیه ارزش تعهدات در چنین قراردادهایی محسوب می‌شود؛ زیرا طرفین با آگاهی از این ماهیت، آن را به‌عنوان بخشی از ساختار قرارداد می‌پذیرند (Chénedé, 2018: 164).

اما از باب عناصر سازنده احتمالی بودن، می‌توان بیان داشت که در حقوق فرانسه نخستین عنصر سازنده عقد معوَّض احتمالی، عنصر معوَّض بودن است که به موجب آن، هریک از طرفین تعهدی را در برابر تعهد طرف دیگر، متقابل قرار می‌دهد. به بیان دیگر، مبنای اقتصادی این نوع عقد بر تبادل ارزش‌ها استوار است، حتی اگر برآورد نهایی این ارزش‌ها به دلیل وجود خطر یا عدم قطعیت، در زمان انعقاد عقد نامعلوم باشد. این ویژگی موجب می‌شود که عقد

4. Caractère onéreux

مصطفی هراتی ـــــــ

شناخته شده و به‌عنوان جزء لاینفک سبب خاص[6] تلقی می‌شود. به این ترتیب، حتی اختلاف قابل‌توجه میان ارزش‌های نهایی تعهدات، مادامی که در محدوده عنصر عدم قطعیت قرار گیرد، مانع صحت عقد نبوده بلکه مقتضای طبیعی آن محسوب می‌گردد؛ موضوعی که هم رویه قضایی و هم دکترین حقوقی فرانسه بر آن اتفاق‌نظر دارند (Jourdain, 2019: 130).

تا پیش از اصلاحات سال ۲۰۱۶، قانون مدنی فرانسه در باب قواعد عمومی قراردادها، هیچ‌گونه مقرره جامع و واحدی در خصوص تعریف قرارداد احتمالی نداشت و این مفهوم تنها به‌طور پراکنده در مقررات خاص، همچون قانون بیمه، احکام مربوط به اجاره عمر[7] و برخی متون تخصصی دیگر، مورد اشاره قرار می‌گرفت (Cass. req., 24 janv. 1928: RTD civ. 458 : 1928). این فقدان تعریف قانونی، سبب می‌شد که دسته‌بندی و تشخیص ماهیت این قراردادها بیشتر در حوزه استنباط‌های دکترین و سلایق رویه قضایی قرار گیرد و در عمل، امنیت حقوقی و انسجام نظری کافی در این زمینه فراهم نباشد. دکترین کلاسیک فرانسه، به‌ویژه دیدگاه‌های حقوقدانان برجسته‌ای چون پلانیول، ریپر و ماله، نقش اصلی را در شکل‌دهی فهم حقوقی از قراردادهای احتمالی ایفا کردند. این اندیشه‌ها، بر پایه نظریه خطر و اصل همبستگی تعهدات استوار بود و بر این مبنا، قرارداد احتمالی قراردادی تلقی می‌شد که در آن، تعادل نهایی تعهدات وابسته به وقوع یا عدم وقوع یک رویداد آینده و نامعلوم است. دادگاه‌ها نیز، با ارجاع به همین نظریات، چهارچوبی نیمه‌مدوّن و قابل‌اجرا برای شناسایی و تحلیل این قراردادها فراهم کردند؛ چهارچوبی که هرچند جای خالی یک تعریف رسمی را پر نمی‌کرد، اما تا زمان اصلاحات ۲۰۱۶، ستون فقرات فهم عملی از این نهاد حقوقی محسوب می‌شد (Fabre-Magnan, 2019: 198).

در نظام حقوقی فرانسه، قرارداد معوَّض احتمالی ذیل تقسیم‌بندی کلی قراردادها و در برابر قراردادهای مجانی[8] قرار می‌گیرد. وجه تمایز اصلی آن با قراردادهای مجانی در آن است که

---

6. Cause subjective
7. Rente viagère
8. Contrats à titre gratuit

مصطفی هراتی ـــــــ

متکی است؛ استدلال‌هایی که بر مبانی‌ای همانند قاعده غرر، اصل صحت و اصول حاکم بر تبادل منافع در عقود استوار بوده و نقش محوری در تعیین حدود مشروعیت این نوع تعهدات ایفا می‌کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

فقه امامیه، که شالوده اصلی قانون مدنی ایران را تشکیل می‌دهد، ارزیابی ماهیت و مشروعیت قراردادهای متکی بر وجود خطر یا عدم قطعیت را عمدتاً در چهارچوب قاعده غرر انجام می‌دهد. غرر در اصطلاح فقهی، به معنای وجود جهل یا خطر غیرمتعارف در موضوع، مقدار یا چگونگی تعهدات طرفین عقد است، به‌نحوی که این عدم شفافیت یا احتمالِ وقوع زیان، موجب تزلزل اراده و برهم‌خوردن اطمینان طرفین گردد. روایات فقهی نهی از بیع غرری را به‌عنوان یک اصل کلی مقرر داشته‌اند و فقهای امامیه این قاعده را فراتر از بیع، به سایر عقود نیز تسری داده‌اند (بجنوردی، ۱٤۰۱: ۱٤۰). به این ترتیب، هرگاه عنصر خطر یا نامعینی به حدی برسد، عقد از نظر فقهی باطل شناخته می‌شود. با وجود این، فقه امامیه در عین تأکید بر منع غرر، پذیرای استثنائاتی نیز بوده است که مشروعیت برخی از مصادیق قراردادهای معوَّض احتمالی را تضمین می‌کند (هاشمی و دیگران، ۱٤۰۳: ۳۱۰). این استثنائات شامل عقودی است که علی‌رغم وجود عنصر عدم قطعیت، یا به دلیل منافع عقلایی و اجتماعی، یا بر اساس ضرورت‌های عرفی و اقتصادی، مشروع و نافذ شناخته شده‌اند؛ مانند عقد جعاله، که در آن نتیجه کار و حتی امکان تحقق آن، از پیش معلوم نیست، یا برخی مصادیق پیش‌بینی‌شده در معاملات بیمه و سرمایه‌گذاری‌های مشارکتی (محجوب، ۱٤۰٤: ۱۱۹). لذا می توان بیان داشت که عنصر خطر را به‌طور مطلق نفی نمی‌کند، بلکه آن را در تعادل با مصلحت عقلایی و ضرورت اجتماعی می‌سنجد. در کنار قاعده غرر، دو قاعده مهم دیگر یعنی قاعده لاضرر و قاعده صحت، به‌عنوان پشتوانه‌های تحلیلی مکمل عمل می‌کنند. قاعده لاضرر در مقام تحدید آثار زیان‌بار ناشی از تحقق خطر، این امکان را فراهم می‌آورد که حتی در قرارداد مشروع و نافذ نیز اعمال شرایط و قیود خاصی از سوی طرفین یا قانون‌گذار، برای پیشگیری خسارت‌های غیرمتعارف مقرر شود. از سوی دیگر، قاعده صحت که ناظر بر حمل اعمال و قراردادها بر صحت و نفوذ است مگر آنکه دلیل بر بطلان موجود باشد، به‌عنوان یک اصل

مصطفی هراتی ـــــــ

قلمداد شده است (رحیمی و محمودزاده، ۱۳۹۷: ۱۳۰). جعاله نیز از دیگر مصادیق سنتی است که هرچند ماهیت انعطاف‌پذیرتری داشته و می‌تواند در مواردی بدون عنصر خطر اجرا شود، در برخی وضعیت‌ها به وضوح در دایره عقود احتمالی قرار می‌گیرد؛ به‌ویژه هنگامی که نتیجه کار یا امکان تحقق آن به شرایط و وقایعی وابسته باشد که از دید طرفین در زمان انعقاد عقد، نامعلوم یا غیرقابل پیش‌بینی‌اند. ماهیت جعاله، با رویکرد پرداخت در قبال نتیجه، آن را به نمونه‌ای منحصربه‌فرد از پیوند میان انگیزش اقتصادی و پذیرش ریسک مبدّل ساخته است.

در میان مصادیق جدید، تنوع و گستره ارتباط با قراردادهای معوَّض احتمالی به مراتب بیشتر شده است. قراردادهای سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز که در فضای کارآفرینی و نوآوری به‌ویژه در حوزه شرکت‌های نوپا[10] رواج یافته‌اند، با وجود عدم قطعیت نسبت به بازده و موفقیت پروژه، بر مبنای تبادل منافع احتمالی میان سرمایه‌گذار و مجری شکل می‌گیرند. پیش‌فروش ساختمان، نمونه‌ای دیگر از این دسته، در جایی که تکمیل یا ارزش نهایی ملک به تحقق شرایط فنی و اقتصادی آینده بستگی دارد، مصداق بارز پذیرش مشترک ریسک است. قراردادهای آتی کالا یا ارز نیز، به‌عنوان ابزارهای مالی مبتنی بر پیش‌بینی قیمت‌های آینده، به‌صورت نظری و عملی بر عنصر خطر و نامعلومی تکیه دارند. افزون بر این، برخی سازوکارهای نوین مالی مانند اوراق مشتقه، بیمه اتکایی یا صندوق‌های پوشش ریسک هرچند نوظهوراند، اما به واسطه ماهیت معوَّض بودن همراه با وقوع احتمالی نفع یا زیان، می‌توانند ذیل مفهوم قراردادهای معوَّض احتمالی در حقوق ایران تبیین شوند.

دکترین حقوقی ایران در زمینه تبیین و ارزیابی قراردادهای معوَّض احتمالی به دو رویکرد کلان تقسیم می‌گردد که هریک بر مبانی نظری مشخص و منابع معتبر فقهی و قانونی استوار است. رویکرد نخست، بر پایه‌ی اصل حاکمیت اراده، که از ارکان بنیادین حقوق خصوصی ایران و مندرج در ماده ۱۰ قانون مدنی است، و نیز قاعده صحت، مقرر در ماده ۲۲۳ همان قانون، استوار است. بر اساس این دیدگاه، هرگاه قرارداد منعقده مشتمل بر منافع عقلایی و مشروع باشد، عنصر خطر به‌خودیِ‌خود موجب بی‌اعتباری آن نمی‌گردد، مگر آنکه نصّ خاص

10. Startups

مصطفی هراتی ـــــــ

۳. آثار حقوقی قرارداد معوَّض احتمالی

۳-۱) آثار حقوقی در نظام حقوقی فرانسه

از باب مبانی و چهارچوب مقرراتی آثار حقوقی در نظام حقوقی فرانسه، می‌توان بیان داشت که پذیرش خطر در عقود معوَّض احتمالی، نه‌تنها یک ویژگی شکلی بلکه مؤلفه‌ای ماهوی و مقوّم این دسته از قراردادها محسوب می‌شود؛ سابقه‌ای ریشه‌دار در حقوق مدنی فرانسه دارد و اصلاحات ۱۰ فوریه ۲۰۱٦ با بازآفرینی ساختار مفهومی آن، چهارچوبی منسجم و قابل‌استناد ایجاد کرده است. بر اساس ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی فرانسه، عنصر عدم قطعیت به‌عنوان جزء لاینفک سبب خاص در این‌گونه عقود حضور دارد و حذف آن، ساختار حقوقی عقد را از حالت احتمالی به معوَّض کلاسیک تبدیل می‌کند.[۱۳] این تمایز نشان می‌دهد که فلسفه وجودی این عقود بر پذیرش توزیع نامتقارن خطر از لحظه انعقاد نه بر ایجاد یا حفظ تعادل اقتصادی اولیه تعهدات طرفین، استوار است (Civ. 1re, 13 mars 2019). ماده ۱۱۹٦ قانون مدنی، قاعده عام زمان انتقال خطر را تدوین کرده و در کنار توجه به توافق صریح یا ضمنی،

سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را از انعقاد قراردادهای متضمن عنصر خطر بازدارد. از این رو، ضرورت تدوین نظریه‌ای جامع که همسو با مبانی فقه امامیه، اصول کلی قانون مدنی و نیازهای اقتصادی معاصر باشد، کاملاً محسوس است.

۱۳. عنصر عدم قطعیت در قراردادهای معوَّض احتمالی، نه یک ویژگی جانبی، بلکه جزء ماهیت‌ساز این دسته از عقود در حقوق فرانسه محسوب می‌شود. به موجب ماده ۱۱۰۸، تحقق و اندازه واقعی منافع یا زیان‌های طرفین منوط به وقوع رویداد آینده و نامعلوم است و همین امر، فلسفه پذیرش عدم تعادل اولیه ارزش تعهدات را توجیه می‌کند. ماده ۱۹٦٤ نیز در باب عقود خاص مانند بیمه یا قمار، این عدم قطعیت را شرط مشروعیت می‌داند. رأی شعبه اول مدنی دیوان‌عالی فرانسه در تاریخ ۱۳ مارس ۲۰۱۹، دقیقاً بر همین نکته تأکید کرد که حذف عنصر عدم قطعیت، قرارداد را از ماهیت احتمالی به معوَّض کلاسیک تبدیل می‌کند و در نتیجه، قواعد کنترل تعادل اقتصادی اولیه بر آن قابل اعمال خواهد بود. این رویکرد رویه قضایی، تأثیر قابل‌توجهی بر تفسیر دکترین حقوقی داشت. نویسندگانی چون Jourdain و Fabre-Magnan، با تحلیل این رأی نتیجه گرفتند که عنصر عدم قطعیت باید از لحظه انعقاد عقد حضور داشته باشد و نه صرفاً به‌عنوان احتمالی در مرحله اجرا. این تفسیر موجب می‌شود که قراردادهای معوَّض احتمالی از شمول بسیاری از قواعد حمایتی مربوط به تعادل اولیه تعهدات خارج شوند، چراکه نامتعادل بودن اولیه، مقتضای ذاتی این عقود است. در مقابل، این آزادی قراردادی با الزام به سلامت اراده، آگاهی کامل و فقدان فریب یا کتمان اطلاعات متعادل می‌شود، به‌گونه‌ای که ریسک پذیرفته‌شده توسط طرفین، مشروعیت حقوقی پیدا کند و حمایت قضایی از طرف ضعیف همچنان تضمین گردد (Civ. 1re, 13 mars 2019: Dalloz, 2019: 572).

مصطفی هراتی ـــــــ

حتی خاتمه قرارداد، تصمیم مقتضی اتخاذ کند. پیش از این اصلاحات، اصل لزوم قراردادها که بر مبنای اندیشه پایداری تعهدات استوار بود، تقریباً در همه حوزه‌های خصوصی مانع از هرگونه تغییر در مفاد پیمان پس از انعقاد می‌شد (Cass. ch. mixte, 27 nov. 1970: RTD civ. 1971: 671). تنها در پاره‌ای از زمینه‌ها، به‌ویژه در حقوق عمومی و به‌منظور تضمین تداوم ارائه خدمات همگانی، قاعده پیش‌بینی‌ناپذیری مورد پذیرش قرار داشت. این رویکرد سنتی، هرچند امنیت و پیش‌بینی‌پذیری روابط حقوقی را تقویت می‌کرد، اما در اقتصاد معاصر که با نوسانات شدید و غیرقابل کنترل همراه است، پاسخگوی مقتضیات عدالت قراردادی نبود (Jourdain, 2017: 330).

مقنّن فرانسوی با وضع ماده ۱۱۹۵ در پی ایجاد تعادلی دقیق میان دو ارزش بنیادین بود: حفظ ثبات و الزام‌آوری پیمان‌ها که اساس اعتماد و کارآمدی اقتصادی را تشکیل می‌دهد، و فراهم ساختن امکان تحقق عدالت پویا در برابر دگرگونی‌های قهری و غیرقابل پیش‌بینی که می‌توانند بنیان توافق اولیه را دگرگون سازند. با وجود این، ماهیت ویژه عقود معوَّض احتمالی سبب شد که دامنه اعمال این قاعده به‌نحو چشمگیری محدود شود. عنصر عدم قطعیت، که رکن ذاتی این دسته از عقود محسوب می‌شود، به‌خودی‌خود متضمن پذیرش نوسانات و تغییرات احتمالی در ارزش تعهدات است؛ از این رو، بروز تغییرات اقتصادی یا شرایط غیرعادی بازار، مادامی که در محدوده ریسک قراردادی پذیرفته‌شده قرار دارد، موجبی برای توسل به ماده ۱۱۹۵ فراهم نمی‌آورد، حتی اگر این تغییرات از منظر مالی سنگین باشد. فقط در مواردی که تحول پیش‌آمده ماهیتاً فراتر از ریسک عادی و قابل‌پیش‌بینی است مانند وقوع جنگ ناگهانی، اجرای سیاست‌های ملی‌سازی گسترده یا آغاز بحران اقتصادی فراگیر، می‌توان قاعده پیش‌بینی‌ناپذیری را اعمال کرد. رویه قضایی پس از ۲۰۱۶ نیز بر ضرورت ترسیم مرزی روشن میان ریسک قراردادی و حادثه غیرقابل پیش‌بینی تأکید کرده است تا از یک سو فلسفه اقتصادی عقود احتمالی از بین نرود و از سوی دیگر، بار مالی غیرمنتظره و ناموجه بر دوش یکی از طرفین تحمیل نگردد (Molfessis, 2017: 236).

از منظر اقتصادی، پذیرش خطر و شیوه توزیع آن در این عقود اساس قیمت‌گذاری و

ارزیابی ارزش عوضین از همان لحظه انعقاد به شمار می‌آید. طرفین آگاهانه و با محاسبه دامنه نوسانات، شرایط معامله را طراحی می‌کنند و از این رو، تغییرات معمول بازار در منطق این عقود پذیرفتنی تلقی می‌شود. اما اگر رویدادی فراتر از این چهارچوب رخ دهد، عدم مداخله حقوقی می‌تواند به برهم خوردن تعادل موردنظر در معامله و بروز اختلال جدی در منافع مشروع طرف زیان‌دیده منجر شود. در چنین وضعیتی، ورود مرجع قضایی یا داوری برای تعدیل یا انحلال قرارداد نه‌تنها سازگار با عدالت و انصاف است، بلکه بخش مهمی از سازوکار اعتمادساز در نظام حقوقی نیز محسوب می‌شود. چنین رویکردی توانسته است در کنار پاسداشت آزادی اراده و ثبات قراردادها، امنیت حقوقی و اطمینان فعالان اقتصادی را نیز تضمین کند و بدین ترتیب، محیطی پایدار و قابل اتکا برای سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌های اقتصادی در فرانسه ایجاد نماید (Malaurie et Aynès, 2017: 129).

۳-۲) آثار حقوقی در نظام حقوقی ایران

اصل کلی در حقوق مدنی ایران آن است که خطر تلف یا نقص مورد معامله، پیش از تسلیم، بر عهده مالک است و از زمان تسلیم، بر ذمه متعهدله قرار می‌گیرد؛ این قاعده در مواد ۳۸۷ و ٤٥٣ ق.م. تصریح شده است. با این حال، در عقود معوَّض احتمالی، این اصل ممکن است به‌واسطه قوانین خاص یا توافق طرفین دچار دگرگونی شود. نمونه بارز این استثنا در قانون بیمه مصوب ١٣١٦ دیده می‌شود که در بند ۱ ماده ۱، تحمل خطر را عنصر اصلی تعهد بیمه‌گر دانسته و مسئولیت او را از لحظه انعقاد عقد برقرار می‌شمارد، حتی اگر خسارت پیش از پرداخت اقساط حق بیمه رخ دهد. بنابراین، خطر از زمان عقد به طرف پذیرنده آن (بیمه‌گر) منتقل می‌گردد، بی‌آنکه قبض مورد عقد شرط تحقق آن باشد. مورد مشابه در بیمه حمل‌ونقل دریایی و قراردادهای پیش‌فروش ساختمان موضوع قانون پیش‌فروش مصوب ۱۳۸۹ دیده می‌شود که مطابق مقررات یا عرف قراردادی، خطرهای معیّن از تاریخ انعقاد قرارداد به یکی از طرفین تخصیص می‌یابد، ولو اینکه تسلیم عملی هنوز انجام نشده باشد. این رویکرد، با فلسفه عقود احتمالی و منطق پذیرش آگاهانه عنصر عدم قطعیت هم‌ساز است و امنیت اقتصادی

تراکنش‌ها را تضمین می‌نماید (نورشرق و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۴۰).

بر اساس مواد ۲۳۴ و ۲۳۵ ق.م.، طرفین می‌توانند شروطی را ضمن عقد درج نمایند که متضمن تخصیص یا تغییر آثار قانونی عقد باشد، مشروط بر آنکه این شروط مشروع، معین و مقدور بوده و با مقتضای ذات عقد تعارض نداشته باشد. در بستر عقود معوَّض احتمالی، شرط ضمن عقد ابزاری کارآمد برای مدیریت و توزیع خطر قراردادی است. فقه امامیه، با استناد به قاعده «المؤمنون عند شروطهم»، چنین شروطی را معتبر دانسته است، مگر آنکه مفاد شرط، منافی احکام امری همچون قاعده غرر یا ممنوعیت «أکل مال به باطل» باشد. بدین ترتیب، طرفین می‌توانند صراحتاً توافق کنند که خطر تحقق یا عدم تحقق رویداد معیّن، کلاً یا جزئاً بر عهده یکی از آنان باشد. این توافق، هنگامی معتبر است که ماهیت خطر و دامنه آن مشخص شده و طرفین با علم و اختیار به آن رضایت داده باشند (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۱۹۸). نمونه‌های عملی این قبیل شروط را می‌توان در قرارداد بیمه عمر یافت که بیمه‌گر تعهد به پرداخت سرمایه بیمه را در هر وضعیت می‌پذیرد، یا در معاملات آتی در بورس کالا که طرفین، نوسانات قیمت را با تخصیص ریسک از طریق مارجین و شروط جبرانی مدیریت می‌کنند. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که شرط ضمن عقد، می‌تواند نقش تنظیم‌کننده و تعدیل‌کننده خطر را ایفا کند و همزمان با قواعد امری سازگار باقی بماند.

قاعده غرر، ریشه‌دار در فقه امامیه و منعکس در ماده ۲۱۶ ق.م.، بر این اصل استوار است که معامله نباید متضمن جهل فاحش نسبت به موضوع یا نتیجه باشد، وگرنه مشمول بطلان خواهد شد. مبنای این قاعده، جلوگیری از منازعات آتی و حمایت از اطمینان معاملاتی است. در نگاه نخست، عقود معوَّض احتمالی به دلیل وابستگی نتیجه به رویداد نامعلوم، محتمل است که مشمول غرر شوند. با این حال، تحلیل فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که در این عقود، عدم قطعیت مقبول و آگاهانه، چنانچه جزو ذات عقد و مورد تراضی طرفین باشد و عرفاً ارزش مبادله‌ای مستقل داشته باشد، سبب بطلان نمی‌گردد. این رویکرد با پذیرش قراردادهایی چون بیمه و حتی صلح معوَّض بر امر نامعلوم در متون فقهی و ماده ۷۵۴ ق.م. نمود یافته است. ملاک اصلی در تطبیق قاعده غرر بر عقود احتمالی، تفکیک میان عدم قطعیت ذاتی مشروع و

جهل است. اولی همان عنصر عدم قطعیت پذیرفته‌شده‌ای است که طرفین به موجب آن خطر را آگاهانه تقسیم می‌کنند؛ دومی، جهالتی است که به‌طور جدی مانع شکل‌گیری اراده آگاهانه می‌شود. این تفکیک، ابزار کلیدی سازگاری قاعده غرر با پذیرش روزافزون ابزارهای مالی و قراردادی نوین در نظام حقوقی ایران است (رحیمی و محمودزاده، ۱۳۹۷: ۱۳۳).

مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق.م. قاعده کلی را در مورد حوادث قهری[۱۴] بیان می‌کنند؛ بر اساس این مواد، متعهدی که به واسطه‌ی وقوع حادثه‌ای خارجی، غیرقابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر، از اجرای تعهد خویش ناتوان شود، مسئولیتی بر عهده نخواهد داشت و عقد ممکن است منحل گردد. در عقود معوَّض احتمالی، نکته‌ی محوری، تعیین مرز میان حادثه قهری و خطر قراردادی پذیرفته‌شده است. اگر رویداد رخداده دقیقاً همان خطری باشد که عقد بر اساس آن شکل گرفته است مانند آتش‌سوزی در موضوع بیمه آتش‌سوزی یا غرق کشتی در بیمه بار دریایی، وقوع آن نه موجب فسخ عقد می‌شود و نه باعث سقوط تعهدات، بلکه موجب فعال شدن مکانیسم قراردادی جبران خسارت و اجرای تعهد به شکل پیش‌بینی‌شده می‌گردد؛ اما اگر حادثه‌ای خارج از ماهیت خطر موردنظر عقد رخ دهد، مانند ملی‌سازی ناگهانی اموال بیمه‌شده یا وقوع جنگی که موضوع قرارداد را به‌طور اساسی دگرگون کند، چنین رویدادی از دایره‌ی عنصر عدم قطعیت مورد توافق خارج بوده و می‌تواند مصداق حادثه قهری محسوب شود. در این حالت، بسته به اوضاع و احوال، امکان فسخ یا انحلال قرارداد و رهایی طرف متعهد از مسئولیت وجود دارد. رویه‌ی قضایی ایران نیز، به‌ویژه در دعاوی بیمه‌ای، با تفکیک دقیق میان این دو وضعیت، تنها در مواجهه با رویدادهای خارج از محدوده خطر پذیرفته‌شده، حکم به انحلال یا رفع مسئولیت صادر کرده است. این رویکرد، ضمن حفظ فلسفه‌ی عقود احتمالی، با اصول انصاف و پیش‌بینی‌پذیری حقوقی نیز هم‌خوانی دارد.

14. Force majeure

۴. چالش‌ها و تحلیل تطبیقی

از منظر تطبیقی، بارزترین افتراق میان دو نظام حقوقی، در سطح شفافیت و صراحت قانون‌گذاری و روش تعریف و تحدید مفهومی عقود معوَّض احتمالی نهفته است. در حقوق فرانسه، مواد ۱۱۰۸ و ۱۹٦٤ قانون مدنی، همراه با اصلاحات و متون تفسیری و دکترین غنی، به‌طور مکتوب و دقیق ماهیت، ویژگی‌ها و پیامدهای حقوقی این عقود را تبیین کرده‌اند. بدین ترتیب، قانون‌گذار فرانسوی با تدوین ساختاری منسجم، هم عنصر احتمالی را به‌عنوان ویژگی ذاتی این عقود شناسایی کرده و هم حدود مشروعیت آن را از حیث عدم قطعیت و توزیع خطر معین ساخته است؛ امری که در نتیجه، تأمین‌کننده بالاترین سطح امنیت قضایی[۱۵] و تسهیل‌کننده پیش‌بینی‌پذیری معاملات در سطح داخلی و فراملی محسوب می‌شود. در مقابل، در نظام حقوقی ایران، فاقد متن قانونی خاص برای تعریف و تنظیم جامع این عقود هستیم و قواعد مرتبط عمدتاً از بطن منابع فقهی امامیه، به‌ویژه قاعده غرر و قاعده لاضرر همراه با برخی مقررات پراکنده در قانون مدنی و قوانین خاص، استنباط و استخراج می‌شود. این رویکرد، هرچند از انعطاف بالایی در تفسیر برخوردار است و امکان انطباق بر مصادیق متنوع را فراهم می‌آورد، اما ابهام تفسیری بیشتری ایجاد می‌کند و در نتیجه، هم در فرآیند عقد و هم در مرحله اجرای تعهدات، نیازمند مراجعه مستمر به رویه‌ی قضایی، نظریات مشورتی و مطالعات فقهی و حقوقی است. چنین تفاوتی در روش قانون‌گذاری و میزان صراحت متنی، به‌طور مستقیم بر پیش‌بینی‌پذیری حقوقی، امنیت اقتصادی معاملات و اعتماد سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد. درحالی‌که حقوق فرانسه با ایجاد یک چهارچوب روشن، هزینه‌های مبادله و ریسک تفسیری را کاهش داده است، در ایران این هزینه‌ها به دلیل وابستگی بیشتر به تفسیر قضایی و عدم وجود راهنمایی مکتوب جامع، بالاتر ارزیابی می‌شود (Chénedé, 2018: 165).

یکی از پیچیده‌ترین معضلات نظری و عملی در هر دو نظام حقوقی، تعیین مرز مشروعیت عنصر عدم قطعیت در عقود معوَّض احتمالی است. پرسش محوری این است که از چه نقطه‌ای، نامعلومیِ مشروع و پذیرفته‌شده به‌عنوان بخشی از عنصر عدم قطعیت، به جهالت فاحش و در

15. sécurité juridique

مصطفی هراتی ـــــــ

وجود عدم تقارن اطلاعاتی شدید یا فقدان رضایت آگاهانه می‌توانند هم امنیت اقتصادی معاملات را تضمین کنند و هم مانع از سوءاستفاده شوند. چنین تدابیری، در عین پای‌بندی به ماهیت عدم قطعیت، سویه‌های حمایتی حقوق مصرف‌کننده و اصول انصاف را نیز تقویت خواهند کرد. همچنین با گسترش تجارت الکترونیک، قراردادهای هوشمند و ابزارهای مالی مبتنی بر فناوری‌های نوین، نیاز است که مقررات آینده‌نگر به‌گونه‌ای تدوین شوند که امکان به‌کارگیری عقود احتمالی در این بسترها فراهم باشد، بدون آنکه مرز مشروعیت عدم قطعیت و حمایت‌های متقابل طرفین مخدوش شود. این امر علاوه بر انطباق با نیازهای روز، به ارتقای جایگاه ایران در نظام حقوقی بین‌المللی نیز کمک خواهد کرد.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی صورت‌گرفته نشان می‌دهد که عقد معوَّض احتمالی در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، با وجود تفاوت‌های ماهوی در شیوه قانون‌گذاری، منابع الزام‌آور و بنیان‌های نظری، به‌طور مشترک بر اصل پذیرش خطر به‌عنوان مؤلفه‌ای ذاتی، اساسی و حذف‌ناپذیر استوار است. در حقوق فرانسه، این اصل نه به‌صورت ضمنی، بلکه آشکارا و با دقت تقنینی بالایی بیان شده است؛ به‌ویژه آنکه قانون‌گذار در اصلاحات گسترده قانون مدنی در سال ۲۰۱۶، ضمن بهره‌گیری از پیشینه دکترین و رویه قضایی، در مواد ۱۱۰۸ و ۱۹۶٤ ق.م. محدوده، انواع و آثار آن را به صراحت شناسایی و تبیین کرده است. چنین چهارچوبی با تعیین دقیق مرز میان عدم قطعیت مشروع و غرر مفسد، امکان پیش‌بینی منطقی سرنوشت قراردادها را برای طرفین فراهم می‌آورد، امنیت حقوقی را تثبیت می‌کند و زمینه اجرای کارکردهای اقتصادی عقد معوَّض احتمالی از جمله توزیع بهینه ریسک و افزایش کارآیی مبادله را تقویت می‌نماید. در مقابل، نظام حقوقی ایران فاقد مقرره خاص و مدوّن در زمینه عقود احتمالی است و تعیین مفهوم و قلمرو مشروعیت عدم قطعیت در این عقود، بیشتر بر بنیان قواعد عمومی فقهی و حقوقی، همچون قاعده لاضرر و قاعده صحت عقود، استوار است. این چهارچوب نظری با اتکا به اجتهاد فقهی و تفسیر قضایی، انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به شرایط متنوع اقتصادی و اجتماعی ایجاد

می‌کند، امکان انطباق با تحولات سریع نظام مبادلات را فراهم می‌آورد و به لحاظ مفهومی، بستری برای ابتکار و خلاقیت حقوقی عرضه می‌دارد. با این حال، اتکای اصلی به برداشت‌های قضایی و فقهی و فقدان مرزبندی قانونی دقیق، موجب می‌شود میزان پیش‌بینی‌پذیری نتایج حقوقی برای فعالان اقتصادی کاهش یافته و امنیت معاملات در معرض ابهام قرار گیرد، به‌ویژه در بسترهایی که پیچیدگی فنی یا نوآوری‌های مالی نیازمند تعیین سریع و شفاف معیار مشروعیت عناصر خطر و عدم قطعیت است.

تحلیل تطبیقی نشان داده است که نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، علی‌رغم اختلافات بنیادین در ساختار تقنین، منابع الزام‌آور و روش‌شناسی تحلیل قرارداد، هر دو کارکرد اقتصادی گسترده عقد معوَّض احتمالی را نه‌تنها به رسمیت شناخته بلکه در حوزه‌هایی چون بیمه به‌عنوان سازوکار جبران خسارت مبتنی بر ریسک، معاملات آتی به‌عنوان ابزار تثبیت یا پوشش نوسانات بازار و سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر بازده نامعین تقویت و عملیاتی کرده‌اند. با این همه، هر دو نظام با چالش‌هایی ساختاری و کارکردی مشابه دست به گریبان‌اند، از جمله دشواری ترسیم معیاری روشن و قابل‌کاربرد برای تشخیص مشروعیت خطر در چهارچوب عقد احتمالی و ضرورت بازنگری در مقررات برای انطباق با ابزارهای مالی نوین و قالب‌های قراردادی دیجیتال مانند قراردادهای هوشمند، توکن‌های مالی و پلتفرم‌های معاملاتی غیرمتمرکز. تمایز اساسی در این میان، در میزان شفافیت و انسجام مقررات ناظر بر این عقود است؛ به‌گونه‌ای که نظام حقوقی فرانسه، با اتکای مستقیم به ساختاری مدون، تعریف دقیق و مقررات صریح همچون مواد ۱۱۰۸ و ۱۹٦٤ قانون مدنی، امکان پیش‌بینی‌پذیری بالاتری را برای طرفین قرارداد فراهم می‌آورد و از رهگذر این پیش‌بینی‌پذیری، امنیت حقوقی و کاهش اختلافات قضایی را تضمین می‌کند. در مقابل، حقوق ایران که عمدتاً بر قواعد کلی، اصول عام فقهی نظیر غرر و لاضرر و تفسیر قضایی متکی است، از انعطاف‌پذیری قابل‌توجهی برخوردار است، اما این انعطاف به قیمت پراکندگی مفهومی و نبود معیارهای مدون حاصل شده و در نتیجه، می‌تواند موجب بروز ناهمگونی در تفسیرها و کاهش اطمینان فعالان اقتصادی نسبت به نتایج معاملات گردد.

پیشنهادات اصلاحی که برای نظام حقوقی ایران می‌توانیم در نظر بگیریم عبارت است از:

اولاً، تدوین مقرره اختصاصی در حقوق ایران با الگوگیری از ساختار منسجم قانون‌گذاری فرانسه. چنین مقرره‌ای باید به تعریف جامع و دقیق عقد معوَّض احتمالی بپردازد، انواع آن را طبقه‌بندی نماید و حدود مشروعیت آن را بر اساس معیارهای روشن و قابل‌اعمال در رویه مشخص کند. این اقدام منجر به ارتقای شفافیت مفهومی و پیش‌بینی‌پذیری حقوقی شده، اختلافات ناشی از برداشت‌های متنوع قضایی را کاهش می‌دهد و مانع اتکای بی‌ضابطه به منابع پراکنده می‌شود. افزون بر این، با ایجاد چهارچوب‌های استاندارد، می‌توان روابط قراردادی را در بخش‌های حساس اقتصادی به گونه‌ای سامان داد که هم منافع طرفین حفظ گردد و هم امنیت حقوقی معاملات تضمین شود.

دومین پیشنهاد بر تقویت حمایت از طرف ضعیف قرارداد، بدون اخلال در ماهیت خطرپذیری این عقود، تأکید دارد. برای این منظور، توصیه می‌شود ابزارهایی مانند الزام به افشای کامل و مؤثر اطلاعات قبل از انعقاد عقد، پیش‌بینی امکان تعدیل یا بازنگری در مفاد قرارداد در صورت بروز تغییرات اساسی و غیرقابل پیش‌بینی و همچنین محدود ساختن کاربرد این عقود در شرایط حادّ عدم تقارن اطلاعاتی در قوانین پیش‌بینی شود. اتخاذ چنین تدابیری نه‌تنها از بهره‌گیری ناعادلانه از عدم توازن آگاهی یا قدرت در روابط قراردادی پیشگیری می‌کند، بلکه با ارتقای سطح رضایت آگاهانه و ایجاد تعادل منصفانه، موجب اعتماد بیشتر فعالان اقتصادی و کاهش دعاوی قضایی مرتبط خواهد شد.

در نهایت سومین پیشنهاد، ایجاد و توسعه چهارچوب‌های نوین برای سازگار نمودن عقود معوَّض احتمالی با تحولات سریع اقتصادی و فناورانه معاصر است؛ به‌ویژه باید مقرراتی طراحی شود که کاربرد این عقود را در زمینه قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاک‌چین، توکن‌های مالی و سایر ابزارهای دیجیتال امکان‌پذیر سازد، بی‌آنکه اصول بنیادین حقوقی یا موازین فقهی مخدوش گردد. این چهارچوب باید با رویکردی آینده‌نگر تدوین شود تا ضمن حفظ مشروعیت عنصر عدم قطعیت، اعتماد متقابل طرفین قرارداد در بسترهای نوین مبادله نیز ایجاد گردد. چنین رویکردی می‌تواند جایگاه حقوق ایران را در عرصه تعاملات حقوقی

مصطفی هراتی ـــــــ

در حقوق ایران و فرانسه»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۸، شماره ۳، صص ۱۲۹-۱۵٤.

۱۰. نورشرق، جمشید؛ کیاپاشا، لقمان؛ پهلوان زاده، عباس و محمود حبیبی (۱٤۰۳). «رویکرد تطبیقی به قرارداد احتمالی در حقوق ایران و انگلستان»، *تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۰۵، صص ۲۳٦-۲۵۰.

۱۱. هاشمی، سیده فاطمه؛ مهریار، محمد و علی صادقی (۱٤۰۳). «تفسیر قوانین مقتبس؛ کاربست‌ها و رویکردها»، *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۳۰۹-۳۲۲.

۶-۲) منابع لاتین

A) Books

12. Chénedé, F. (2018). *Le nouveau droit des obligations et des contrats – Commentaire théorique et pratique dans l'ordre du Code civil*, Paris :Dalloz.
13. Fabre-Magnan, M. (2019). *Droit des obligations : Contrat et engagement unilatéral*, Paris : PUF.
14. Ghestin, J. (2013). *La formation du contrat*, Tome 2, Paris : LGDJ.
15. Terré, F., et Simler, Ph. (2019). *Droit civil – Les obligations*, Paris : Dalloz.

B) Articles

16. Jourdain, P. (2019). "Articles doctrinaux sur contrats commutatifs et aléatoires", *Revue trimestrielle de droit civil*, n. 4, pp. 129-137.
17. Jourdain, P. (2017). "Les contrats aléatoires après la réforme de 2016", *Revue trimestrielle de droit civil*, pp. 321-340.
18. Molfessis, N. (2017) "Ordonnance n° 2016-131 et le sort des contrats aléatoires", *Revue générale du droit*, pp. 230-245.
19. Malaurie, Ph., Aynès, L. (2017). "La distinction entre contrats commutatifs et aléatoires à la lumière du nouveau Code civil", *Dalloz actualité*, pp. 127-139.
20. Lequette, Y. (2019). "Hasard et équilibre contractuel", *Recueil Dalloz*, pp. 58-65.
21. Zuliani, F. (2016). "Les contrats aléatoires : aléa et obligations", *Revue des contrats*, n°3, pp. 751-772.

C) Judicial Decisions

22. Cass. req., 24 janv. 1928 : RTD civ. 1928, p. 458

مصطفی هراتی ـــــــ